

"جایزه بنیاد بین المللی رسانه های زنان در سال ۲۰۰۸" به زنان خبرنگار افغانستان، برمه و قبرس تعلق گرفت"

حمید حمیدی-دسامبر ۲۰۰۸



[سایت بنیاد بین المللی رسانه زنان](#)



فریده نیکزاد خبرنگار افغان، در حمایت از دموکراسی و حقوق زنان، خطر را به جان می خورد. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۷، دوست و همکار او، زکیه زاکي، به قتل رسید؛ در مراسم تشییع جنازه او از طریق یک تماس تلفنی به نیکزاد خبر رسید که او نیز کشته خواهد شد - به طرز چنان مهیب که جسدش شناسایی نشود. نیکزاد تصمیم گرفت ساکت ننشیند و این قاطعیت موجب شد او برنده جایزه بنیاد بین المللی رسانه های زنان (IWMF) گردد.



فریده نیکزاد

این بنیاد که در واشنگتن واقع شده، در سال ۱۹۹۰ تأسیس گشت و شبکه جهانی آن به پیشبرد آزادی مطبوعات و نقش فزاینده زنان در گزارش دادن اخبار، کمک می کند. این سازمان هر ساله بر شجاعت و تعهد خبرنگاران زن در جهان تأکید گذاشته و سه جایزه برای شجاعت در خبرنگاری و یک جایزه برای یک عمر فعالیت های ثمر بخش در نظر می گیرد. در کنار نیکزاد، آیه آیه وین از برمه، و سوگل اولوداک از قبرس، دیگر برندگان جوایز شجاعت در خبرنگاری سال ۲۰۰۸ بودند. ادیت لدرر آمریکایی از آسوشیتدپرس نیز برنده جایزه به خاطر یک عمر فعالیت های ثمر بخش خود در زمینه خبرنگاری شد. جین رنسام، مدیر اجرایی IWMF در مراسم اعطای جوایز در ۹ اکتبر اظهار داشت، این ها زنانی هستند که علی رغم ناملازمات شدید با عزمی راسخ به گزارش اخبار در خطرناک ترین شرایط، ادامه داده اند. او اضافه کرد، ما از طریق برندگان قبلی خبر داریم که دریافت این جوایز برای افرادی که با خطر مواجه هستند مانند یک سپر محافظتی عمل می کند. کیمبرلی دوزیر، خبرنگار شبکه سی بی اس که در سال ۲۰۰۶ و درحین تهیه گزارش در عراق به علت انفجار یک بمب دست ساز کنار جاده زخمی شده بود، این قهرمانان را که "زندگی خود را در زیر آتش جنگ می گذرانند"، ستایش کرد. او گفت، هربار که از خانه بیرون می روید، هر بار که سئوالی را مطرح می کنید، فرهنگ خود را به چالش می گیرید، دولت خود را به چالش می گیرید، و زندگی خود را به خطر می اندازید.

آیه آیه وین

آیه آیه وین از برمه، در این مراسم حضور نداشت زیرا نگران بود که سفر او موجب تهدید جان عزیزانش از سوی حکومت نظامیان در برمه شود. رنسام، مدیر اجرایی، زندگی وین را سراسر ادیت و آزار مداوم توصیف کرد.



رنسام گفت، او به زور به اداره ضد اطلاعات نظامی محل کشیده می شود و مرتب مورد بازجویی قرار می گیرد، و از سوی مطبوعات رژیم چند بار مورد تهدید قرار گرفته است که در صورت متوقف نکردن گزارش های خود، کشته خواهد شد. علاقه وین به کارش به حدی است که برای پوشش خبری دادن به تظاهرات برای دموکراسی در سال ۲۰۰۷ لباس مبدل به تن کرد و نیز پس از تهیه گزارش از توفان نرگس در ماه مه، از خستگی در بیمارستان بستری گردید.

سوگل اولوداگ

سوگل اولوداگ با سال ها کار تحقیقاتی پیرامون سرنوشت قبرسی های یونانی و ترک تبار، به آگاه ساختن اذهان عمومی از گذشته ای کمک کرده است که بسیاری از گروه های ملی گرای دو طرف ترجیح می دهند علنی نگردد.



دو روزنامه نزدیک به نظامیان ترکیه، به مدت سه سال فعالیت هایی را علیه او درپیش گرفتند، به طوری که هر روز شرح حال او را به چاپ می رساندند و او را متهم به جاسوسی و خیانت می کردند. هر چند او "آخرین هشدار" را از سوی گروه ملی گرای کرک های خاکستری دریافت کرد، به فاش کردن اطلاعاتی درباره از زیر خاک درآوردن اجساد قربانیان ده ها سال جنگ قبرس ادامه داد. اولوداگ گفت، می دانم که مدت زیادی از این جنگ گذشته است و اضافه کرد که انگیزه او در پیگیری تحقیقاتش این است نمی خواهد کودکان این نسل در جنگ بزرگ شوند و بهای گزاف آن را بپردازند.

ادیت لدر

از یک عمر تلاش های ادیت لدر به خاطر سابقه کار چهار ساله او به عنوان اولین خبرنگار زن که در سال ۱۹۷۲ ساکن ویتنام شد و سپس برای تهیه گزارش از مناطق جنگی در سراسر جهان به سفر هایش ادامه داد، قدرانی شد. هنگامی که لدر کار خود را آغاز کرد، تعداد معدودی خبرنگار زن وجود داشتند که از اخبار جنگ و بلایای طبیعی گزارش تهیه می کردند. کار او، این راه را برای سایر زنان، از جمله دوزیر از شبکه سی بی اس، هموار نمود.



دوزیر گفت، لدر چراغ راه بود. به همت کوشش های او، زمانی که من بار ها درخواست انتقال به کوزوو و بغداد را کردم، و یا درخواست تهیه گزارش از بحران سرزمین های فلسطینی، با هیچ مشکلی روبرو نشدم.

خطر مدام، رضایت خاطر شخصی

نیکزاد از افغانستان گفت که انگیزه او تا حدی به تمایلش به الگو بودن برای زنان کشورش برمی گردد، "تا آن ها هم جرأت به خرج دهند، و نقش مهمی در جامعه ایفا کنند و کسی نتواند صدایشان را ببرد." او گفت، این کار ساده ای نیست. زمانی که نیکزاد مشغول تهیه گزارش

از محاکمات جنایتکاران و فرماندهان نظامی افغان بود، سوار اتومبیلی شد که راننده، اول او را تهدید به مرگ کرد و بعد نیز او را به مقصدی نامعلوم برد.

نیکزاد گفت، من فریاد زدم "اتومبیل را متوقف کن!" و او جواب داد هیچ کس صدای ترا نمی شنود. من نمی دانستم چه کار کنم... در حالی که اتومبیل به سرعت می رفت، در را باز و خودم را به بیرون پرتاب کردم؛ او بعد از این واقعه زخمی شده بود. اما در کنار مخاطرات، هر یک از این زنان، از رضایت های شخصی خود هم یاد کردند، مانند زمانی که اولوداگ به خانواده یک قاضی یونانی-قبرسی کمک کرد تا بتوانند لاقل جسد او را که در دهه ۱۹۶۰ ناپدید شده بود، پیدا کنند.

لدرر توضیح داد که چگونه دخالت او موجب نجات جان قربانیان فحطی شده بود، و نیکزاد از آسودگی خیال خود به خاطر حمایت های شوهرش از فعالیت های او، علی رغم فشار سایر افراد خانواده، تعریف کرد.

برای اطلاعات بیشتر به تارنمای بنیاد بین المللی رسانه های زنان مراجعه کنید:

<http://www.iwmf.org>
www.iwmf.org/courage.